مصاحبه

پیک‌های جدید، جهش‌های جدید و از دست دادن عزیزان بیشتر

پاسارگاد: خیز پنجم کرونا با سویه دلتای در حال اوج‌گیری در تمام مناطق کشور از جمله سیرجان است. موج قرمز روزبه‌روز در حال پیشروی است و با موج‌شکنی‌های گسترده هر روز بر تعداد بیماران کرونایی در سیرجان اضافه می‌شود، به‌طوری که در ۲۴ ساعت گذشته طبق آمار دانشکده علوم‌پزشکی که روز یکشنبه منتشر شد ۱۱۰ نفر مبتلای جدید شناسایی شدند که با این تعداد جمع مبتلایان از ابتدا تاکنون به عدد ۱۷۰۵۶ نفر رسید. همچنین دیروز یک خانم ۸۶ ساله فوت کرد تا آمار فوتی‌های ناشی از کرونا به ۲۸۲ نفر برسد. دکتر علی امجدی متخصص بیماری‌های عفونی معتقد است سویه دلتا به دلیل سرایت‌پذیری و درگیری زیاد ریه و جواب ندادن بیماران به داروها از جهش‌های قبلی خطرناک‌تر است.

آیا سویه دلتا در سیرجان شناسایی شده است؟

درصد زیادی از مبتلایان به کرونا سویه دلتا دارند، این نوع کرونا با نوع‌های دیگر متفاوت است: اول اینکه میزان سرایت‌پذیری آن خیلی بیشتر است و در صورت ابتلای یک نفر سریع بیماری پخش و باعث بالا رفتن تصاعدی جمعیت بیمار می‌شود. از آن طرف جهش جدید کرونا چند تفاوت اساسی با جهش‌های قبلی دارد مهم‌ترینش این است که بیماری بیشتر از قبل مسری است و سریع‌تر به سمت درگیری ریوی می‌رود مثلا قبلا اگر به بیماران می‌گفتیم هفته‌ی دوم درصورت بیشتر شدن علایم سی‌تی‌اسکن بگیرید الان روز پنجم، ششم درگیری ریوی ایجاد می‌شود و باعث شده تخت‌های بیشتری اشغال شود. برای همین در حال حاضر بیمارستان امام رضا ۴ تا بخش کرونا و یک بخش سرپایی داریم که همه با ظرفیت بالا دارند کار می‌کنند و هنوز هم جوابگوی بیماران نیستیم. در بیمارستان غرضی هم به همین منوال است. مسئله‌ی بعدی پایین آمدن سن درگیری ریه در افراد مبتلاست یعنی ما قبلا در افرادی که سن کم و نوجوان بودند درگیری ریه نداشتیم و این موضوع نادر بود اما الان متاسفانه خیلی به وفور دیده می‌شود هفته‌ای چندین نوجوان با درگیری ریه مراجعه می‌کنند یعنی در سنین ۱۲-۱۳ سال. مسئله‌ی بعدی این است که اکثر بیماران به درمان‌های موجود کمتر جواب می‌دهند مثلا قبلا برای بیماران از داروهای ضد ویروس مثل قرص فاویپیراویر و آمپول رمدسیور استفاده می‌شد و این داروها تا قبل از عید روی بیماران خیلی راحت جواب می‌داد و خیال‌مان راحت بود که بیمار بعد از ۴-۵ روز بستری شدن به داروها جواب می‌داد و بعد از ۵-۶ روز مرخص می‌شد. الان متاسفانه بیماران به قرص فاویپیراویر و کمتر جواب می‌دهند مگر اینکه در روزهای اولیه تجویز شود که آن هم پنجاه پنجاه است همچنین نسبت به قبل پاسخ بیماران به آمپول رمدسیور کمتر شده است. مسئله بعدی علایم جدیدی است که قبلا دیده نمی‌شد مثلا خیلی از بیماران در حال حاضر با علایم قلبی یا مغزی مراجعه می‌کنند مخصوصا در سنین بالا. البته این علایم قبلا هم بود اما الان بیشتر شده است یعنی این ویروس بیشتر عروق را درگیر می‌کند. البته علایم مثل قبل است اما در حال حاضر علایم سرماخوردگی و آلرژی مثل عطسه و آبریزش بینی بیشتر شده است. در واقع طرف فکر می‌کند سرما خورده یا آلرژی دارد و خیلی‌ها فکر می‌کنند به دلیل گرمای هوا و استفاده از کولر یخ کرده‌اند که این تصور اشتباه است. همچنین به علت جهش‌های جدید بعد از عید اکثر موارد تست‌های کرونا منفی می‌شوند و مردم نباید گول منفی شدن تست را بخورند.

واکسیناسیون تاثیری در روند کندشدن بیماری داشته است؟

ببینید واکسن وقتی تاثیر می‌گذارد که حداقل ۷۰ درصد جامعه واکسینه شوند تا به یک ایمنی جمعی برسیم. با این سرعت پایین واکسیناسیون هیچ اتفاقی نمی‌افتد و فقط کاری که می‌کنیم این است که ویروس در برابر واکسن مقاوم می‌شود. اگر با این سرعت پایین واکسیناسیون انجام شود فایده ندارد و اگر قصدشان این است از طریق واکسیناسیون بیماری را ریشه‌کن کنند باید یک برنامه دقیق و مدون داشته باشند و در یک بازه زمانی کم، درصد زیادی را واکسینه کنند تا ایمنی جمعی ایجاد شود و بیماری کنترل شود.

در حال حاضر راه انتقال بیماری فقط از طریق تنفسی است؟

بله. قبلا بیشتر روی قضیه تماس با اجسام و ضدعفونی کردن زمین و سطوح و.. مانور می‌دادند اما الان بیشتر باید روی زدن ماسک و رعایت کردن حداقل فاصله اجتماعی تمرکز کنند.

آمار مرگ‌ومیر نسبت به دوره‌های گذشته روند افزایشی دارد؟

آمار مرگ‌ومیر خیلی فرقی نکرده است. علی‌رغم اینکه پاسخ به درمان کمتراست و درگیری ریه بیشتر شده است به دلیل راه‌اندازی بخش سرپایی آمار مرگ‌ومیر کم است. قبلا به کسی که می‌گفتیم باید بستری شوی، مقاومت می‌کرد چون از فضای بیمارستان هراس داشت و باعث می‌شد طرف دیر مراجعه بکند و زمانی مراجعه می‌کرد که فایده‌ای نداشت اما الان با راه‌اندازی بخش سرپایی طرف اگر کوچک‌ترین درگیری داشته باشد تا حدود خیلی زیادی از پیشرفت بیماری پیشگیری می‌شود.

آیا تعطیلی‌ها و ایجاد محدودیت‌ها می‌تواند موثر باشد؟

با این وضعیت اقتصادی که وجود دارد اگر اصناف را تعطیل هم بکنند فایده‌ای ندارد. اگر مثل کشورهای دیگر در زمان تعطیلی از صنوف حمایت می‌کردند خوب بود ولی این‌جوری نمی‌شود که چوب کرونا فقط تو سر اصناف بخورد. وقتی حمایتی از اصناف در این شرایط اقتصادی نمی‌شود چنین پیشنهادی نمی‌شود داد چون واقعا عملی نیست.

کرونا تا کی با ماست؟

اگر بخواهیم با همین فرمان جلو برویم حالا حالاها هست. هرچند وقت یک بار پیک‌های جدید، جهش‌های جدید و خطرناک و از آن طرف از دست دادن عزیزان بیشتر.

نجمه محمودآبادی

نگاه جنسیتی به زنان موضوعی‌ست که همیشه در جامعه حکم‌فرما بوده است و این موضوع را به راحتی می‌توان در همه ابعاد مشاهده کرد. یکی از مسائلی که تفاوت جنسیتی در آن بی‌داد می‌کند بحث اشتغال است بطوریکه براساس جدیدترین گزارش مرکز آمار ایران، یک میلیون و ۱۰ هزار و ۴۷۰ نفر طی یک‌سال اخیر شغل خود را از دست داده‌اند، که از این تعداد ۳۴۷ هزار و ۶۱۸ نفر مرد و ۶۶۲ هزار و ۸۵۲ نفر از آنان، زنان هستند. درظاهر به نظر می‌رسد زنانی که شغل خود را از دست داده‌اند حدود ۲ برابر مردان‌اند، اما اگر دقیق‌تر به موضوع نگاه کنیم، با توجه به تعداد کم زنان شاغلان، عمق فاجعه بیشتر آشکارتر می‌شود؛ چراکه مردانی که طی یک‌سال اخیر شغل خود را از دست داده‌اند، در مقایسه با ۱۹ میلیون و ۹۵۳ هزار مرد شاغل، فقط ۱.۷ درصد از آنان را شامل می‌شوند. این درحالی است که زنانی که شغل خود را از دست داده‌اند، در مقایسه جمعیت ۴ میلیون و ۳۲۰ هزار زن شاغل در سال ۱۳۹۸، معادل ۱۵.۳ درصد از آنان می‌شوند. این بدین معنی است که نسبت زنان به مردانی که شغل خود را در سال ۹۹ از دست داده‌اند، حدود ۹ برابر است.

چند روز پیش هنگام ثبت‌نام فرزندم زن جوانی را دیدم آمده بود پرونده‌ی فرزندش را از مدرسه‌ی غیرانتفاعی بگیرد و ببرد مدرسه دولتی ثبت‌نامش کند. نشسته بود زیر سایه درخت، منتظر مدیر مدرسه. پرونده فرزندش را نمی‌دهند و اصرار دارند بچه را جابه‌جا نکند. گفته‌اند بنشین تا مدیر بیاید، ببینیم او چه می‌گوید؟ شاید راضی‌ات کرد بچه را نبری. چشمان عسلی‌اش رنگ غم دارند: «به نظر شما واکسن کرونا خوبه؟ یک دفعه نزنیم، بیفتیم و بمیریم. خیلی به مرگ فکر می‌کنم. همش به خودم می‌گم اگر بمیرم این بچه تک و تنها و بی‌کس چکار کنه؟ حتی یک بار بردمش اداره بهزیستی. اداره را نشانش دادم. آدرس اداره را هم روی کاغذ نوشتم و دادم بهش. گفتم اگه من مُردم صاف برو در بهزیستی و بگو من بی‌کس و کارم. منو توی خوابگاه بهزیستی راه بدین.» نگاهش سرد و تهی است وقتی راجع به مرگ حرف می‌زند: «شما که خبرنگارید شماره موبایل رییس اداره بهزیستی را ندارید به من بدید، من برای بچه‌ام بنویسم.» شماره موبایل رییس اداره بهزیستی را برایش می‌دهم اولین بار لبخند کم‌رنگی لبانش را می‌پوشاند: «خدا خیرت بده».

این دست آن دست می‌کند تا بالاخره سفره دلش را می‌گشاید: «نمی‌دونم چی شد. یک بار چشمام باز کردم دیدم طوفان به زندگیم زده. من خیلی زندگی روبه‌راهی داشتم. عروس یکی از خانواده‌های خوب و تحصیلکرده‌ی شهر شده بودم. وضع مالی شوهر و پدرشوهرم خیلی خوب بود. چه عروسی برای ما گرفتن. تا چند سال حرف عروسی ما بود. بعد از به دنیا آمدن دخترم، شوهرم یک باره از این رو به اون رو شد. رفیق‌باز بود. تا دیر وقت بیرون از خونه بود و یک معامله‌هایی می‌کرد که همه‌اش ضرر و زیان بود. دوستاش سرش کلاه می‌ذاشتن. زمین و ملک‌هاشو مفت از دستش درمی‌آوردن. گوشش به حرف‌های من بدهکار نبود. هرچی می‌گفتم اینا دوست نیستن زیر بار نمی‌رفت. آخری‌ها معتادش کردن. وقتی معتاد شد دیگه طاقت نیاوردم. بچه‌ام را برداشتم و قهر کردم رفتم خونه‌ی پدرم. فکر می‌کردم میاد دنبالم. فکر می‌کردم ترک می‌کنه اما انگار از غیب واسش رسیده بود. اصلا دنبالم نیامد که هیچ‌وقت خودشو گم و گورهم کرد.» سمیه با کفشش می‌زند زیر خاک‌های باغچه، گودال کوچکی کنده است: «مهریه نداد که هیچ حتی نفقه‌ی این بچه را هم نمی‌دهد. مگر نفقه‌ی این بچه چقدر است؟ ۵۰۰ شاید ۶۰۰ هزار تومن. آخه این پولیه؟ خودش نمی‌ده، حداقل پدرش می‌بایست بده اما اونا هم طلبکار منن. می‌گن پسر دست گلمون را تو معتاد کردی. یکی نیست بگه من بابام معتاد بود؟ برادرام معتاد بودن؟ چرا آخه حرف زور می‌زنید؟ هرچی توی دادگاه دونگی کردم شاید پولی دستمو بگیر، نشد که نشد. منم عطای گرفتن مهریه را به لقایش بخشیدم و طلاق گرفتم اما هنوز دنبال گرفتن نفقه‌ی این بچه‌هستم».

سمیه بعد از طلاق می‌رود سرکار و شغل خوبی داشت: «برای دوست بابام کار می‌کردم. انگار داشتم برای بابام کار می‌کردم. خیلی هوای منو داشت. می‌دانست از شوهرم جدا شدم. برای همین خیلی مراعات حال مرا می‌کرد. هر وقت حالم بد می‌شد سریع زنگ می‌زدم به بابام تا بیاد دنبالم. خرج زندگیم در می‌آمد. یک آپارتمان کوچیک وسط شهر اجاره کرده بودم و با بچه‌ام زندگی می‌کردیم. زندگی آسون نمی‌گذشت اما سخت هم نبود. سرمون پناه بود. داشتیم می‌خوردیم، نداشتیم کسی خبردار نمی‌شد. تا اینکه کرونا اومد. بلای خانمان سوز. کار تعطیل شد. یک دفعه بهمون زنگ زدن از فردا نیاید سرکار. فکر کردم موقتیه. اما این بیکاری ۱۷ ماهه که طول کشیده و معلوم نیست کی تموم میشه.» سمیه سرش را گرفته است میان دو دستش. سرش درد می‌کند: «از روزی که بیکار شدم این سردرد با منه. دستمال می‌بندم دور سرم. بچه‌ام میگه مامان عین پیرزن‌ها همیشه دور سرت دستمال می‌بندی. صاحبخونه پیرمرد خوبی بود. سه ماه ازم کرایه نگرفت. بعدش دیگه خودم رویم نشد که بمونم. خانه را خالی کردم و برگشتم به خانه‌ی پدرم. خانه‌ی بابام دو خوابه است. یکی برای خودشون و یکی از اتاق‌ها را هم دادن به من و بچه‌ام. وسایلم را کارتن کردم و چیدم توی اتاق. از زمین تا سقف. اندازه‌ی دو تا پادری اول اتاق خالی است. بچه‌ی بیچاره می‌شینه توی همین به وجب جا و درس می‌خونه. از بس که خونه شلوغ و پررفت و آمده. خواهر و برادرهایم هر روز به خانه‌ی پدری سر می‌زنند. می‌آیند می‌ریزند و می‌پاشند و می‌روند. گاهی نشسته کنار بچه‌ام می‌خوابم. می‌گه مامان تو درازبکش من دفترمو می‌ذارم روی پاهام. یک بار این‌قدر سرودصدا بود که معلمش شاکی شد و گفت مگر تو کجایی که این‌قدر سرودصدا میاد؟ همیشه بهم زنگ می‌زد و می‌گفت این بچه خیلی باهوشه، تورو خدا وسایل امکانات فراهم کنین، این بچه در آینده خیلی پیشرفت می‌کنه.» سمیه ماه‌ها دنبال کار گشته است: «کار بود اما یا حقوقش خیلی پایین بود مثلا ماهی ۱ میلیون و ۳۰۰ که نمی‌شد با هاش خونه اجاره کرد یا ساعت کاری زیاد بود. باید از ۸ صبح می‌رفتم تا ۸ شب. تازه اگر برق‌ها می‌رفتند باید بیشتر می‌موندم. منم این بچه را کلاس ریاضی و زبان ثبت‌نام کرده بودم. اگر خونه نبودم هیچ کس دیگه‌ای او نو نمی‌برد کلاس. پدر و مادرم خیلی پیر هستند. پای راه رفتن ندارن. حوصله و اعصاب هم ندارن.» سمیه تحت پوشش کمیته امداد هم هست: «یک بار از طرف کمیته ۱۰ میلیون تومن بهم‌وام دادن که قسط‌هایش را از ماهی ۲۰۰ هزار تومنی که بهمون می‌دن برمی‌دارند. نمی‌دونید چه قیامتی شد، خواهر و برادرهام فکر می‌کردن بابام بهم داده. اومده بودن جلسه گذاشته بودن که بابا به سمیه پول داده باید به ما هم بده. تا مدارک را نشان‌شان ندادم ول نکردن. شب با مادرم یک ساعت گریه کردیم. به بخت بد من و به این روزگاری که تنگ گرفته.» سمیه از شیر آب لیوان پلاستیکی‌اش را پر می‌کند و قرص مسکن می‌خورد: «خیلی فکر می‌کنم. رفتم پیش روان‌شناس. گفت بخواب تا کمتر فکر کنی. بچه می‌آید کنار، تکونم می‌ده، می‌گه مامان نخواب، بلند شو با من حرف بزن، می‌گم تو رو خدا زودتر بزرگ شو. تو رو خدا خیلی درس بخون. تورو خدا از این وضع نجات‌مون بده. می‌گم من واست خیلی زحمت کشیدم. خون دل می‌خورم تا وسایل رفاهی تورو فراهم می‌کنم. می‌گه مامان چقدر سرم منت می‌ذاری، حتی اعصاب هم ندارم. با کوچک‌ترین اشتباهی سرش داد می‌زنم. مادرم می‌گه تو تموم عصبانیت و ناراحتی‌هات رو سر این بچه خالی می‌کنی. می‌گم پس بذارین بخوابم. اگر بخوابم این بچه هم آسایش داره.» سمیه دلش گرفته است: «خرج زندگیم افتاده روی شونه پدرم اما کسی خبر نداره. همه فکر می‌کنن اون شوهرم که خدا از سرش نگذره داره به بچه نفقه می‌ده. پدرم یواشکی پول به کارتم می‌ریزه. بنده‌ی خدا خودش هم تحت فشار است مگر حقوق بازنشستگی‌اش چقدره که بخواهد خرج من و بچه‌ام را بدهد. خیلی چیزها لازم دارم. آرزوی انجام خیلی کارها را دارم. اما رویم نمی‌شود به پدرم بگویم پول بیشتری بده. خدا را هم خوش نمی‌آید. پیرمرد همین حالایش هشتش گرو نه‌اش است.» سمیه پیشانی‌اش را با دو انگشتش گرو می‌مالد: «کاشکی کرونا زودتر تموم می‌شد. کاشکی کارها دوباره شروع می‌شدن. دلم می‌خواد برگردم سر کار قبلی‌ام. پول دربیارم. بچه‌ام این‌قدر آرزو به دل نباشه. چرا این روزگار تموم نمی‌شه؟ دیگه طاقتم تموم شده. دارم سعی می‌کنم دیوونه نشم. همش به خودم می‌گم طاقت بیار، به خاطر این بچه باید سرپا بمونی. حالا که زنده هستی، کنار بچه هستی، توی چشمای خودت بچه را دعوا می‌کنن، هلش می‌دن، اگه بمیری و نباشی چه به سر بچه‌ات میارن؟» مدیر مدرسه از راه می‌رسد. سمیه را صدا می‌زند: «چرا می‌خواهی این بچه را ببری؟ لطمه می‌بینه. حیفه.» سمیه می‌دود طرف مدیر مدرسه: «ندارم. به خدا ندارم. از کجا بیارم شهریه‌اش را بدم. بیکار شدم. خبر که دارین.» مدیر لبخند می‌زند: «من باهات راه میام. قسطی بده. کم کم. تخفیف هم بهت می‌دم. این بچه خیلی مستعده، باهوشه، می‌بریش یه مدرسه دیگه تا بخواد جا بیفته نصف سال گذشته. سال آخر هم هست. امسال که تموم شه باید بره دوره اول دبیرستان. می‌خوای دو بار مدرسه‌اش عوض بشه؟ بذار بمونه.» سمیه مستاصل ایستاده روبه‌روی مدیر مدرسه.

گزارش پاسارگاد از زندگی زن سرپرست خانواری که به دلیل کرونا بیکار شده است

زودتر بزرگ شو

عکس: راهب هماوندی

عید قربان مبارک
ذبح گاو و گوسفند انجام می‌شود.
۰۹۱۳۹۵۶۰۵۷۳

اتوبار ولایت
۲۰% تخفیف
محبوب‌ترین اتوبار
حمل اثاثیه منزل و مبلمان و کالای تجاری و غیره
درون‌شهری و تمامی نقاط کشور با کادری مجرب
شبانه روزی بدون تعطیلی
سیرجان، شهرک اندیشه، خیابان اندیشه
۰۹۹۰۷۳۵۴۸۸۰ - ۰۹۱۳۲۴۵۲۹۸۳ - ۰۳۴۴۲۲۳۸۹۱۸ محمود سلطانی

آگهی رای هیات

در اجرای بند ۲ ماده یک قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن بدینوسیله به اطلاع می‌رساند در اجرای قانون فوق‌الذکر مورد تقاضای علی غفاری فرزند اورنگ کد ملی ۳۰۷۱۵۲۵۳۵۴ متولد ۱۳۳۸/۰۴/۰۳ شناسنامه ۳۶ با نمایندگی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی سیرجان درخواست صدور ششدانگ خانه پلاک ثبتی ۹۱۱۱ فرعی از ۵۰۸۷ اصلی به مساحت ۳۶۰ متر مربع واقع در نجف‌شهر سیرجان بخش ۳۶ کرمان را نموده که پس از رسیدگی رای هیات ۱۰۰۵۸ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۱ هیات حل اختلاف موضوع ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی قانون فوق‌الذکر رای به صدور سند نامبرده صادر نموده بدینوسیله به اطلاع عموم می‌رساند ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی چنانچه کسی به تقاضای نامبرده معترض است، اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد سیرجان تسلیم و از تاریخ تسلیم ظرف مدت ۱ ماه دادخواست اعتراض بر ثبت به مرجع صالح قضایی تسلیم و گواهی مربوطه را به اداره ثبت اسناد سیرجان ارایه نماید. چنانچه ظرف مدت ۲۰ روز از انتشار آگهی اعتراض نرسد و یا معترض ظرف مدت یک ماه از تاریخ اعتراض گواهی تنظیم دادخواست به مرجع صالح قضایی را ارایه ننماید سند مالکیت به نام متقاضی صادر و تسلیم می‌گردد. ۱۱۲۷ م.الف
تاریخ انتشار: دوشنبه ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

آگهی مناقصه عمومی احداث سایت و ساختمان‌های پاسگاه خیر آباد – فاز ۱

شرکت توسعه، عمران و مدیریت منطقه گل‌گهر

شرکت توسعه، عمران و مدیریت منطقه گل‌گهر در نظر دارد از طریق برگزاری مناقصه عمومی احداث سایت و ساختمان‌های پاسگاه خیر آباد – فاز ۱ را به شرکت‌های پیمانکاری ذی‌صلاح دارای رشته ابنیه با حداقل گرید ۳ و تاسیسات با حداقل گرید ۴، واگذار نماید. لذا از متقاضیان دعوت به عمل می‌آید جهت اخذ اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۹ به سایت این شرکت به آدرس www.ggz.ir مراجعه نمایند.

۱ – آخرین زمان ارائه پاکت‌ها و پیشنهادات: ساعت ۱۳:۳۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۰

۲ – شرکت در قبول یا رد پیشنهادات مختار است.

۳– سپرده شرکت در مناقصه: ۸/۹۲۱/۲۹۱/۳۴۱ ریال

۴– هزینه درج آگهی بر عهده‌ی برنده مناقصه می‌باشد.

۵– تاریخ بازدید از پروژه: ۱۴۰۰/۰۵/۰۴

۶– کلیه مشخصات لازم در اسناد مناقصه ذکر گردیده است.

۷– محل تحویل اسناد و پیشنهادات: سیرجان، کیلومتر ۵۰ جاده محور سیرجان– شیراز، شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر، ساختمان‌های هلدینگ مستقر بر تپه، بلوک ۵، (شرکت توسعه، عمران و مدیریت منطقه گل‌گهر)

۸– تلفن جهت هر نوع هماهنگی: ۰۹۱۳۱۴۲۰۶۴۲ آقای بلوردی (به غیر از ایام تعطیل)

مدیریت امور حقوقی و قراردادها

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای تهیه مصالح و اجرای کانیو وسط کوچه جهت معابر سطح شهر شماره یک سال ۱۴۰۰ (نوبت اول)

شهرداری سیرجان در نظر دارد مناقصه عمومی خدمات (شرح مختصر: تهیه مصالح و اجرای کانیو وسط کوچه جهت معابر سطح شهر شماره یک سال ۱۴۰۰) به شماره ۲۰۰۰۰۰۵۶۷۴۰۰۰۰۶۴ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارایه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۸ می‌باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۸:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۰۶

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۶

زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۷:۳۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۷

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌ها

آدرس: سیرجان– میدان انقلاب– شهرداری مرکزی– امور قراردادها شماره تماس: ۴۱۳۲۵۰۷۷ – ۰۳۴

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۴۱۹۳۴– ۰۲۱

دفتر ثبت‌نام ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

مدیریت ارتباطات شهرداری سیرجان